

متن سخنرانی

جناب آقای دکتر عسکری آزاد

رئیس محترم هیات مدیره بنیاد برکت

در ششمین همایش مجریان بنیاد برکت

خرداد ۱۴۰۲

## بسم الله الرحمن الرحيم

### سخن آغازین

سلام و عرض ادب دارم خدمت همه عزیزان. تبریک عرض می‌کنم ایام میلاد با سعادت خانم فاطمه معصومه سلام‌الله علیها را به خصوص به خواهران محترم حاضر در این مجلس. خوشحالم که در ششمین گردهمایی - که خیلی سریع این شش سال گذشت و خوشبختانه این شجره طیبه عمق و ریشه‌اش هر روز و هر ماه و هر سال عمیق‌تر شده است - در خدمت عزیزان هستم و این جلسات به هر حال امیدی است برای دیدار با دوستان و هم‌فکری، مشورت و گفتگوی بیشتر برای رشد و تعالی فعالیت‌های بنیاد برکت.

فکر می‌کنم در تمامی دوره‌های گذشته، خدمت عزیزان حضور داشته‌ام و صحبت کرده‌ام. تقریباً تمام مطالبی را که در دوره‌های گذشته بیان کرده‌ام به خاطر دارم. قطعاً توقع ندارم که دوستان حاضر هم تمامی مطالب بیان شده در دوره‌های گذشته را به یاد داشته باشند، با این حال، از عزیزان کسی هست که بداند سال قبل من در چه زمینه‌ای صحبت کرده‌ام؟! «سیستم‌ها»، دیگر، «راهبردها»، بله من در مورد راهبردهای بنیاد برکت در امر اشتغالزایی صحبت کرده‌ام. مقدمه‌ای گفتم و از اهمیت و ارزش راهبرد و نقش آن در برنامه‌ریزی و اهمیت آن صحبت کردم و اشاره کردم آن چیزی که برنامه‌ها را از هم متمایز می‌کند و خوب و بد برنامه را مشخص می‌کند، بحث انتخاب راهبردها است. اگر یادتان باشد، چهارده یا پانزده راهبرد را بیان کردم و گفتم این راهبردها، مبنای کار بنیاد است و همه اقدامات، دستورالعمل‌ها، روابط و صحبت‌های ما در چارچوب این راهبردها انجام می‌شود.

### نگاهی به تاکیدات مقام معظم رهبری در امر توسعه اقتصادی

امروز می‌خواهم در مورد فرمایشاتی که مقام معظم رهبری و تاکیداتی که ایشان در امر توسعه اقتصادی در کشور دارند، صحبت کنم. تاکید امسال مقام معظم رهبری بر **رشد تولید** و **مهيار تورم** است و همین عنوان را شعار سال قرار دادند. به قول برادر عزیز، دیگر شعار نبود، دستور بود و عمل بود و سال‌های گذشته هم در امر اقتصاد ایشان دستورات موکد داشتند.

در برنامه هفتم، مقام معظم رهبری یک هدف محوری تعیین کردند، در سیاست‌های کلی، فرمودند که محور و هدف اصلی برنامه هفتم، **پیشرفت اقتصادی، توأم با عدالت** باشد. این موضوع اصلی برنامه هفتم است که این روزها دولت درگیر تنظیم آن است و ان‌شاءالله به زودی تقدیم مجلس خواهد شد و بعد از تصویب، علی‌القاعده، باید پنج سال دولت در این مسیر حرکت کند. بر همین اساس و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری و وجود چالش‌های جدی که در کشور در حوزه اقتصادی داریم، فکر کردم بهتر است یک مقدار مساله اقتصادی و ابعادش را برای دوستان باز کنم و مولفه‌های موثر بر این موضوع را خدمت عزیزان عرض کنم تا

نقش خود را در این جریان و در این ساختار و در سیستم کلان اقتصادی کشور بهتر بشناسیم. بدانیم که کجا هستیم، کجا باید برویم و در چه مسیری حرکت کنیم تا در حد توان خود و در حد امکانات خود، بتوانیم در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری، در رشد اقتصادی و فعالیت اقتصادی در کشور موثر باشیم.

## **جایگاه بنیاد برکت در امر توسعه اقتصادی**

همان طور که اشاره کردم، موفقیت ما در گرو این است که خود را در سیستم بزرگتر پیدا کنیم. جای ما در سیستم بزرگتر مشخص باشد و بدانیم کجا هستیم، با چه متغیرها و مولفه‌های دیگری در ارتباطیم و چگونه می‌توانیم به کار خود عمق و معنا ببخشیم. اگر چنین رویکردی به اداره کشور، هر یک از سازمان‌ها، موسسات و افراد داشته باشند و خود را اجزای یک سیستم به هم پیوسته بدانند، کشور را به سمت رشد و تعالی سوق خواهند داد و جامعه را به سمت توسعه اقتصادی و اجتماعی هدایت خواهند کرد. چنین رویکردی باعث می‌شود که ارگان‌های جامعه درست مانند اجزای بدن عمل کنند؛ از یک انگشت گرفته تا قلب و مغز و دیگر اجزای بدن در خدمت یک سیستم (ارگانیسم) هستند و متناسب با نیازهای سیستم حرکت می‌کنند. هر کدام جای خود را می‌دانند، به وظیفه خود آگاه‌اند و مسیر را به درستی طی می‌کنند. وقتی همه اجزا درست حرکت کنند، انسانی سالم و موفق بوجود می‌آورند. همین وضعیت در مباحث کلان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در اداره کشور نیز حاکم است. به همین ترتیب، اگر سازمان‌ها و افراد بتوانند جای خود را پیدا کنند، بدانند جایگاه آن‌ها در کجا قرار دارد، آنجا خیلی مناسب‌تر حرکت می‌کنند و بهتر خود را با سیستم کلان هماهنگ می‌کنند و نتیجه چنین هماهنگی، چیزی جز پیشرفت و توسعه نخواهد بود.

محوریت بحث بنیاد در اشتغالزایی و توانمندسازی، توسعه اقتصادی- اجتماعی است و باید به سمتی حرکت کنیم که جامعه را از نظر توانمندی اقتصادی، توانمندی مالی و خودکفایی در زندگی، به حدی برسانیم که مردم بتوانند روی پای خود بایستند و نیازهایشان را تامین کنند تا به خاطر مشکلات معیشتی مهاجرت نکنند و به خاطر مشکلات معیشتی، آسیب‌های اجتماعی بر آنها عارض نگردد.

اگر بخواهیم فعالیت خود را بر اساس امورات مختلف کشور طبقه بندی کنیم، اغلب فعالیت‌های بنیاد، در بخش اقتصادی با رویکردی اجتماعی قرار می‌گیرد. اجتماعی؛ از این منظر که متکی به مردم هستیم و مردم دارند حرکت می‌کنند و کار برای مردم است. اقتصادی؛ از این منظر که موضوع فعالیت ما اقتصادی است. بنابراین امروز هدفم این است که این موضوع اقتصادی را مقداری با هم بشکافیم و جایگاه خود را در مقوله اقتصادی پیدا کنیم و در این مسیر بتوانیم، ان‌شاءالله، به نحو مطلوب طی طریق کنیم. این موضوع یادتان باشد، سال بعد اگر زنده بودیم و در خدمت شما بودیم، سوال می‌کنیم که سال قبل چه بحثی مطرح کردیم.

## • ثبات اقتصادی

اگر چالش اقتصادی کشور را بخواهیم به یک موضوع تقلیل دهیم، آن موضوع می‌تواند ثبات اقتصادی باشد. باید عرض کنم، ثبات اقتصادی با ثبات قیمت‌ها فرق دارد. ما وقتی در مورد ثبات قیمت‌ها صحبت می‌کنیم یعنی قیمت‌های کالا و خدمات بدون تغییر باقی بماند. اما صحبت از ثبات اقتصادی به این معنی است که جامعه در حوزه اقتصادی به یک وضعیت متعادلی از رفاه و به‌زیستی رسیده باشد و مسایل کلی آن حل شده باشد.

وقتی می‌گوییم ثبات اقتصادی فراهم است، یعنی چه چیزهایی فراهم است؟ برای پاسخ به این سوال می‌بایست ابعاد ثبات اقتصادی را بشکافیم. به طور کلی، ثبات اقتصادی داری چهار بُعد یا چهار مولفه است:

۱- **رشد اقتصادی**: منظور همان رشد تولید و رشد ارزش افزوده است. هرچه بتوانیم عوامل تولید را تغییر دهیم و از محل این تغییر، ارزش ایجاد کنیم و این ارزش‌ها تبدیل به امکانات زندگی شود و بین مردم توزیع شود، یعنی رشد اقتصادی اتفاق افتاده است. رشد اقتصادی نیز تحت تأثیر سه عامل اصلی است:

(۱) عامل اول **سرمایه‌گذاری** است. سرمایه‌گذاری شروع فرایند رشد اقتصادی است. هر فعالیت اقتصادی که بخواهید انجام دهید؛ اعم از فعالیت‌های ریز، درشت، متوسط، خرد، کارگاهی، ابر شرکت‌ها، کارخانه‌های بزرگ و هر چه که هست، ابتدا به سرمایه‌گذاری نیاز دارید. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی به مثابه بنزین برای ماشین است.

(۲) دومین عاملی که در رشد اقتصادی اثرگذار است، **بهره‌وری** است. یعنی مجموعه عواملی که بتوانند زمینه‌ساز استفاده بهتر از سرمایه باشند. سرمایه معمولاً در جایی بهره‌ور می‌گردد که رقابت و انگیزه به میزان کافی وجود داشته باشد. به عنوان مثال، سرمایه می‌تواند توسط بخش خصوصی با انگیزه و در فضای رقابتی اداره شود و یک میزانی ارزش ایجاد کند در حالی که همان سرمایه، می‌تواند توسط بخش دولتی اداره شود و در فضایی غیر رقابتی و بدون توجه به رشد، مقدار کمتری ارزش ایجاد کند. من توانمند ممکن است از این سرمایه یک میلیارد تومانی، آخر سال، پانصد تومان در بیاورم و رفیقم ممکن است دویست میلیون تومان به دست آورد، فرد دیگری ممکن است چیزی به دست نیاورد و نفر چهارمی ممکن است ضرر کند. پس اصل سرمایه‌گذاری به تنهایی نمی‌تواند رشد ایجاد کند اگر سرمایه‌گذاری به همراه بهره‌وری باشد و بهره‌وری بتواند سرمایه را رشد بدهد، آن موقع می‌تواند این سرمایه موثر باشد.

چه چیزهایی بهره‌ور شدن سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

○ محیط کسب و کار

- فرایند اخذ مجوزها
- فضای رقابتی
- نظام قیمت گذاری
- نظام صادرات و واردات
- فناوری مورد استفاده و ...

یکی از مشکلاتی که ما در کشور داریم این است که بخش زیادی از سرمایه‌ها در اختیار دستگاه‌های دولتی یا دستگاه‌های شبه دولتی است. مثلاً یک موسسه‌ای تحت عنوان «شستا»، یک موسسه‌ای وابسته به سازمان بازنشستگی، یک موسسه‌ای وابسته به فلان نهاد و ... میلیاردها دلار سرمایه در اختیار دارند ولی متوسط سود حاصل از کل این سرمایه، به هشت درصد هم نمی‌رسد. یعنی وقتی تورم در کشور چهل درصد یا پنجاه درصد است، در حقیقت این شرکت دارد سی تا چهل درصد زیان ایجاد می‌کند. بنابراین، بهره‌وری بحث بسیار مهمی است که ما در بحث قواعد و ضوابطی که با دوستان داریم و مرتب تاکید می‌کنیم که مورد توجه واقع شود؛ در روش کار، در ابعاد ارتباطی با دستگاه‌ها، در مجوزها، در مدل وام‌گیری و همه اینها، هدف افزایش بهره‌وری است.

۳) ضلع سوم و مولفه سوم در رشد اقتصادی، نیروی انسانی یا **سرمایه انسانی** است. امروز دنیا به این موضوع خیلی توجه می‌کند. خیلی از کشورها می‌گویند که ما اگر سرمایه مالی نداشته باشیم ولی نیروی انسانی توانمند داشته باشیم، این‌ها سرمایه ایجاد می‌کنند و از طریق ابتکارات و خلاقیت‌ها و اختراعات و در واقع نوآوری، هر روز می‌توانند سرمایه ایجاد کنند. یک جایی هم ممکن است سرمایه را در اختیار نیروی انسانی قرار دهد که ناآگاه است، آموزش ندیده و غیرحرفه‌ای است و بدون انگیزه است و این نیروی انسانی از این سرمایه به بدترین نحوی استفاده کند. این وضعیت هم در مباحث اقتصادی، هم در مباحث اجتماعی و هم در مسایل اداری مطرح است. ممکن است شما یک ساختمان را یا یک مدرسه را یا یک بیمارستان یا دانشگاه و یا یک مرکز را در اختیار یک نیروی انسانی با انگیزه قرار دهید و ساختمان، مدرسه یا بیمارستانی شود که همه برای ثبت نام در آن نوبت می‌گیرند، ولی همان ساختمان را اگر در اختیار انسان‌های کم انگیزه یا بی‌اطلاع و آموزش ندیده قرار دهید، ممکن است همه از آنجا فرار کنند. اینکه از سرمایه چگونه استفاده شود، کاملاً تحت تاثیر نیروی انسانی است.

بنابراین سه عامل **سرمایه گذاری**، **بهره‌وری** و **سرمایه انسانی** اگر با هم جمع شوند، **یک کشور رشد اقتصادی مثبت و مناسبی به دست می‌آورد**. اگر این سه تا با هم جمع نشوند هر چه شعار بدهیم، هر چه سخنرانی کنیم و هر چه تبلیغ کنیم و هر چه ارشاد کنیم، اتفاق مثبتی نخواهد افتاد.

ما در سال‌های اخیر یعنی در چند برنامه اخیر باید به رشد اقتصادی هشت درصد می‌رسیدیم، یعنی سالی هشت درصد رشد داشته باشیم. کسی می‌داند که در برنامه پنجم و برنامه ششم که الان در سال آخر آن هستیم، رشد اقتصادی در ایران چقدر بوده است؟! متأسفانه طبق گزارشی که اخیراً سازمان برنامه ارائه کرده است، رشد اقتصادی دو دهم درصد (۰.۲٪) بوده است. البته این عدد را دیوان محاسبات، هفت دهم درصد (۰.۷٪) اعلام کرده است. اگر ما دو دهم درصد در نظر بگیریم، نسبت به هشت درصد، یعنی یک چهارم به هدف رسیده‌ایم. حالا این در وضعیتی است که رشد جمعیت ما سالانه حدود یک و شش دهم درصد (۱.۶٪) است. مفهوم این وضعیت این است که اگر رشد اقتصادی را به کل جمعیت تقسیم کنیم، یعنی حجم GDP را به کل جمعیت تقسیم کنیم، به هر نفر ۱/۴ درصد نسبت به گذشته کمتر می‌رسد. پس این نشان می‌دهد که در طول این برنامه که همه ما تلاش کرده‌ایم، سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، مدیریت کرده‌ایم، بی‌خوابی کشیده‌ایم، سفر رفته‌ایم، ملاقات‌های مختلف داشته‌ایم و مذاکرات و جلسات مختلف شرکت کرده‌ایم، حاصل چه شده است؟ کاهش درآمد سرانه مردم! مفهوم آن چیست؟ مفهوم آن این است که مثلاً شما یک شرکتی دارید، هزینه کردید، ضابطه قرار دادید، انرژی صرف کردید و آخر سال ضرر دادید! باید یک فکری به حال این شرکت کنیم، یک تغییری باید در آن ایجاد کنیم که بتواند این شرکت از این حالت در بیاید. سالانه حدود هفتاد تا هشتاد میلیارد دلار در کشور خرج می‌کنیم، این همه عوامل انسانی کار می‌کنند، حدود بیست و پنج میلیون نفر شاغل داریم و این همه داریم مصوبه می‌گذاریم، برای چه؟! برای رشد اقتصادی و برای بهبود روند اداره کشور. هر روز مجلس جلسه دارد، دولت جلسه دارد، شوراهای متعدد جلسه داریم، رفت و آمدهای داخلی و خارجی داریم ولی ماحصل همه این‌ها، کاهش درآمد سرانه مردم شده است.

رشد اقتصادی از نظر داخلی همانطور که اشاره شد، بر روی درآمد سرانه مردم و رفاه مردم اثرگذار است. این بحث یک نکته دومی هم دارد و آن این است که ما در بحث اقتصادی هیچ وقت از دنیا جدا نیستیم. دنیا یک جامعه متشکل، منضبط و یکپارچه‌ای شده است که هرچه ما از نظر اقتصادی عقب بیاوریم، دیگران جای ما را می‌گیرند. یعنی هر چه ما بازارهای جهانی را نتوانستیم بگیریم، این بازار خالی نمی‌ماند. یک کشور دیگر می‌آید جای ما را می‌گیرد؛ ترکیه، عربستان، چین، ژاپن، کره و ... جای ما را می‌گیرند. وقتی بازار خود را از دست می‌دهیم، پس گرفتن آن دیگر کار راحتی نیست. کشورهایی که مثلاً سه یا چهار دهه رشد اقتصادی بالا داشتند، راحت بازارهای جهانی را می‌گرفتند. ولی امروزه، ورود پیدا کردن به بازارها خیلی سخت شده است، چون رقبا در هر زمینه‌ای که شما فکر کنید حضور دارند. از لوازم خانگی گرفته تا مواد غذایی، اتومبیل، پوشاک و غیره حضور دارند. وقتی در یک دهه، رشد اقتصادی کشور مثلاً می‌شود یک درصد یا دو درصد و یک کشور دیگری چهار درصد یا پنج درصد رشد می‌کند، مثلاً مثل چین نه درصد، ده درصد رشد می‌کند، با حجم جمعیت به آن بزرگی، دیگر گرفتن سهم بازار یک کار ساده‌ای نخواهد بود. بنابراین، مسئله رشد اقتصادی کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله ما است.

- نقش بنیاد برکت در رشد اقتصادی

بنیاد برکت در حوزه سرمایه‌گذاری یک سهمی دارد. ما در سال گذشته حدود نه هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کردیم و هجده هزار میلیارد تومان آورده مردم بوده است. یعنی ما هر پروژه‌ای که راه‌اندازی می‌کنیم و هر طرحی که اجرا می‌کنیم، بر اساس برآوردی که همکاران کردند، دو برابر رقمی که ما می‌گذاریم، آورده متقاضی است. حالا این آورده یا در قالب خانه است، کارگاه است یا امکاناتی مانند نیروی انسانی و غیره می‌آورد. یعنی ما، به عنوان بنیاد برکت، در این سرمایه‌گذاری حدود بیست و هفت هزار میلیارد تومان نقش‌آفرینی کرده‌ایم که این رقم، رقم کمی نیست. اگر مقایسه کنید با میزان اعتبارات بخش عمرانی دولت، تقریباً بیش از یک سوم سرمایه‌گذاری دولت در بخش عمرانی است. تقریباً می‌توان گفت که بنیاد برکت معادل یک سوم سرمایه‌گذاری بخش عمومی دولتی، در اقتصاد نقش‌آفرینی کرده است.

نکته‌ای که ما ادعا داریم این است که ما می‌گوییم پولی که بنیاد سرمایه‌گذاری کرده است، با بالاترین بهره‌وری بوده است. چرا؟! چون کسانی که این کار را انجام داده‌اند، کار از خود آنها بوده است، در فضای رقابتی بوده است، حدود نود درصد مشاغل پایدار بوده است، رشد ایجاد کرده است، درآمد بوجود آورده است و نیروی انسانی با انگیزه این حرکت را انجام می‌دهد. پس اولین نقش ما در بحث اقتصادی و در اجرای فرمایش مقام معظم رهبری، کمک به رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری است. منشاء بهره‌وری، همین روش‌ها و دستورات عملی و قواعدی است که شما دارید اجرا می‌کنید که به سرعت می‌تواند یک کاری را تبدیل به تولید کند، تبدیل به خروجی کند و تبدیل به دارایی و درآمد برای خانواده‌ها کند. آن هم با نیروی انسانی که غیر فعال بوده است، نیروی انسانی که می‌توانست در خانه بنشیند، سر کوجه‌ها بایستد، می‌توانست معتاد شود و خطری برای جامعه ایجاد کند. بخش اعظم جوانانی که اکنون شما سراغ آنها می‌روید و آنها را پیدا می‌کنید و آنها را با فعالیت اقتصادی درگیر می‌کنید، عامل رشد اقتصادی می‌شوند.

۲- **توزیع درآمد:** دومین مسئله‌ای که در امر ثبات اقتصادی و به هر حال تعالی اقتصادی تاثیرگذار است و همواره از اول انقلاب تا کنون در مورد آن صحبت شدن است، بحث توزیع درآمد است. این بحث مطرح است که اگر ما به رشد اقتصادی مثلاً هشت درصد رسیدیم، نتیجه این رشد اقتصادی بین چه کسانی توزیع می‌شود؟! آیا مانند کشورهای سرمایه‌داری هستیم که در آن سرمایه‌دارها پولدارتر می‌شوند و فقرا فقیرتر می‌شوند؟ یا اینکه نه، این یک رشد متعادلی است که بین افراد به طور متناسب توزیع می‌شود؟

در اقتصاد رشد به همراه نحوه توزیع بین مردم مطرح است. وقتی می‌خواهید درآمدسرانه را حساب کنید، در واقع کل GDP را تقسیم بر کل جمعیت می‌کنید. یعنی اگر فرض کنید که کل GDP در کشور، فرضاً، چهارصد میلیارد دلار است، تقسیم بر هشتاد میلیون می‌کنیم، تقریباً به هر فردی متوسط پنج هزار دلار می‌رسد. حالا به یکی ممکن است هزار دلار و به یکی دیگر صد هزار دلار برسد. بنابراین، درآمد سرانه، وضعیت کل کشور را نشان می‌دهد ولی وضعیت طبقات مختلف، گروه‌های اقتصادی مختلف و اقشار مختلف را نشان نمی‌دهد. کجا این‌ها نشان داده می‌شود؟ در توزیع درآمد.

ما در اینجا برای توزیع درآمد چند تا شاخص داریم. یک شاخص، ضریب جینی است که در واقع یک منحنی است که نشان می‌دهد در بین گروه‌های مختلف چه مقدار درآمد کسب شده است. ضریب جینی عددی بین صفر تا یک است. هرچه عدد به سمت یک نزدیک‌تر باشد، نابرابری بیشتر است و هرچه عدد به سمت صفر میل کند، وضع بهتری داریم و نابرابری کمتر است. شاخص دیگر، نسبت درآمد دهک دهم به دهک اول است. یعنی ده درصد بالای پولدارهای جامعه به نسبت ده درصد پایین جامعه چند برابر درآمد دارند. البته چون نظام آماری ما بر اساس کشف درآمد نیست، عملاً کشف هزینه می‌کنند. می‌گویند چقدر هزینه کردند. یعنی اگر در جامعه‌ای، کل جامعه را مثلاً به ده گروه طبقه‌بندی کنید، می‌گویند گروه اول چند برابر گروه آخر هزینه کرده است. حالا این هزینه کرد، معمولاً از درآمد کمتر است، به خصوص برای گروه‌های بالا، گروه‌های بالا تمام پول خود را هزینه نمی‌کنند. برخی، دهک دهم را با دهک اول می‌گیرند، بعضی‌ها دو تا دهک بالا را به دو تا دهک پایین می‌گیرند. به هر حال نشان می‌دهد که وضعیت ما در این شاخص چه تناسبی دارد. در این شاخص نیز، باکمال تأسف، ما وضعیت مطلوبی نداریم. قرار بوده است ضریب جینی به حدود سی و دو صدم (۰.۳۲) برسد که الان حدود چهل صدم (۰.۴) است. یعنی نتوانستیم آن هدفی را که در برنامه داشتیم محقق کنیم. نسبت دهک درآمدی قرار بوده است برسد به نه برابر یا هشت برابر، الان چهارده تا پانزده برابر است. این نسبت، نسبت خوبی نیست. حتی در مقایسه با کشورهای سرمایه‌داری هم رقم خوبی نیست. به عنوان مثال، کشورهای اروپای شمالی معمولاً سه تا پنج برابر هستند، ولی ما حدود چهارده برابریم. حالا این مساله چگونه حل می‌شود؟ دولت در مورد حل مساله توزیع درآمد چه مداخلاتی دارد؟ از چه طریقی می‌توانیم این توزیع درآمد را بهبود ببخشیم؟ بنیادبرکت در این مسئله چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟!

○ اولین نقشی که دولت در این خصوص دارد، توزیع یارانه‌ها است. دولت می‌گوید من یک منابعی دارم تحت عنوان مثلاً درآمد نفتی یا مالیات یا هر درآمد دیگری که وجود دارد، بین گروه‌های مختلف می‌توانم تقسیم کنم. به کسی بیشتر بدهم، به یک چیز کمتر بدهم و با کمک‌هایی که من می‌کنم، بتوانم توزیع درآمد را اصلاح کنم.

○ دومین راه مداخله دولت‌ها، بحث مالیات است. مالیات چه طوری است؟ می‌گوید من از یک عده زیادتر می‌گیرم. مثلاً از گروه‌هایی بالاتر زیادتر می‌گیرم و از گروه پایین‌تر کمتر می‌گیرم. به این ترتیب بر درآمد خانواده تاثیر می‌گذارم. بعضی‌ها مالیات منفی دارند. می‌گوید اگر کسی از این درآمد کمتر بود، به جای اینکه من مالیات بگیرم به او مالیات می‌دهم. این دومین نقشی است که دولت می‌تواند تاثیر بگذارد.

○ سومین راه مداخله، توجه خاص به مناطق محروم و حالا به تعبیر ما، روستایی است. منظورم این است که این موضوع بیشتر جغرافیایی است و در اکثر کشورها، مناطق مختلف یک تفاوت‌هایی با هم دارند، از جمله در ایران ما. مثلاً متوسط درآمد مناطق روستایی ما نسبت به منطقه



شهری پایین تر است. مناطق محروم ما نسبت به مناطق برخوردار مثل مراکز استانها درآمد پایین تری دارند. می گویند ما فارغ از بحث توزیع درآمد، می رویم در این مناطق کارهای ویژه انجام می دهیم. چه کاری انجام می دهیم؟ مثلاً مدرسه می سازیم، درمانگاه می سازیم، کار فرهنگی می کنیم. حالا به تعبیر ما، فعالیت اشتغال زایی می کنیم. می رویم سراغ مردم می گوئیم آقا بیا ما به شما کمک کنیم. این قضیه تا قبل از حرکتی که شماها شروع کردید در کشور تحت عنوان اشتغال حمایت شده، بیشتر معطوف بود به فعالیت های فیزیکی و عمرانی. یعنی دولت توجه می کرد به این مناطق، مدرسه می ساخت درمانگاه می ساخت، امکاناتی درست می کرد، ولیکن چون درآمد مردم در حد کفایت نبود و چون در مناطق برخوردار درآمد بیشتری کسب می کردند، امکانات فیزیکی ایجاد شده را رها می کردند و می رفتند به جایی که شغل بهتری به دست بیاورند. الان شاهد هستیم که خیلی از روستاها مدرسه دارند، مسجد دارند، درمانگاه دارند، غسالخانه و غیره دارند ولی سکنه ندارند. این مسئله باعث شده بود که از امکانات فیزیکی و امکاناتی که موجود بود، بهره مند نمی شدند.

#### - نقش بنیاد در توزیع درآمد

امروزه، در بحث یارانه ها، همه اذعان دارند که یارانه ها نه تنها کمک به بهبود توزیع درآمد نکرده است بلکه بیشتر به تخریب توزیع درآمد کمک کرده است. چرا؟ چون یارانه های ما، یارانه های قیمتی است. یک کالایی را وقتی می خواهیم حمایت کنیم با قیمت پایین عرضه می کنیم و ما به التفاوت را دولت می دهد. مثلاً، ما امسال حدود صد و چهار میلیارد دلار مالیات فرآوری نفت و گاز به مردم می دهیم. از چه طریق می دهیم؟ از طریق ارزان کردن قیمت ها. این کالای ارزان قیمت را چه کسی بیشتر می خرد؟ طبیعتاً کسی که درآمد بیشتری دارد. چه کسی بیشتر گاز ارزان قیمت را مصرف می کند؟ کسی که ویلا دارد، کسی که استخر دارد، کسی که خانه اش بزرگتر است. چه کسی بنزین ارزان قیمت را بیشتر استفاده می کند؟ کسی که ماشین بیشتری دارد، یا اصلاً کسی که ماشین دارد. پس یارانه ها نه تنها در توزیع درآمد اثر مثبتی ندارند، بلکه اثر منفی دارند. بر همین اساس مقام معظم رهبری بارها در سیاست های ابلاغی، بیان کردند که یارانه ها را ببرید به سمت حل مشکل توزیع درآمد. حالا بحث مالیات هم بحث مفصلی است که در این مجال نمی گنجد و بعداً به آن خواهیم پرداخت.

جایی که بنیاد در بحث توزیع درآمد به آن ورود پیدا کرده است، اینجا است؛ وقتی شما بیست و هفت هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری را در ظرف یک سال، فعال می کنید، طبیعتاً این سرمایه گذاری فعال شده، تبدیل به درآمد می شود، تبدیل به دارایی می شود. خیلی وقتها در بازدیدهایی که انجام می دهیم، می بینیم یک نفر، به عنوان مثال، سه سال پیش یک چرخ خیاطی خریده سه میلیون تومان، می گوید الان بیست میلیون تا سی میلیون تومان است. آن پول برای او تبدیل به یک دارایی مولد شده است. این دارایی دارد وضعیت توزیع درآمد را تغییر می دهد. این وضعیت نشان می دهد که حرکتی که شما راه انداخته اید،

دقیقاً معطوف به هدف اصلاح توزیع درآمد است. یعنی سهم بیشتری از رشد اقتصادی برای گروه‌های ضعیف‌تر، که شما با فعالیت‌هایی که انجام می‌دهید، دارید مستقیماً بر آن تاثیر می‌گذارید. سال گذشته صد و یک هزار طرح اشتغالزایی اجرا کردید، امسال ان شاءالله صد و پنجاه هزار طرح اجرا خواهید کرد و همین‌طور سال‌های بعد این تعداد بیشتر هم خواهد شد.

۳- **تعادل قیمت‌ها:** سومین بُعد در موضوع ثبات اقتصادی که می‌تواند در واقع تعیین کننده باشد و مسئله بسیار مهمی برای مردم است؛ کنترل قیمت‌ها، ثبات قیمت‌ها و تعادل در قیمت‌ها است. در واقع منظور همان تورم متعادل یا قیمت‌های متناسب است. نمی‌گوییم ثابت، چون تا یک حدی نوسانات قیمت جزء جدایی ناپذیر اقتصاد است. اگر نوسانات قیمت از حد نرمال خود خارج شود آسیب‌زا می‌شود. به عنوان مثال، ممکن است یک تا دو درصد تغییر در قیمت‌ها موضوعی عادی باشد اما اگر در جامعه‌ای، یک نفر صبح بلند شد آمد بیرون دید یک دفعه کالایی پنج درصد فرق کرده است، فردایش آمد دید چهار درصد دیگر رشد کرده است، مثلاً خانه‌اش را فروخته، خواست یک خانه دیگر بخرد، یک دفعه خانه‌ای را که فروخته دو میلیارد تومان، دو ماه بعد همان خانه را می‌خواهد بخرد باید بخرد سه میلیارد تومان، این یک وضعیت غیرعادی است و چنین جامعه‌ای اصلاً تعادل قیمتی ندارد. دو میلیارد تومان اگر بشود دو میلیارد و بیست میلیون تومان ممکن است اشکالی نداشته باشد ولی بعضی وقت‌ها قیمت‌ها ظرف پنج سال، سی برابر تا هفتاد برابر تغییر پیدا می‌کند. چنین تغییراتی آسیب‌زا هستند و جامعه را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.

تورم چهل و هفت درصدی یا چهل و هشت درصدی، معنایش این است که هر سال، ارزش پول نقدی که داریم، حدود پنجاه درصد کاهش می‌یابد! اگر این پول نقد به سمت سرمایه‌گذاری هدایت نشود، به سمت تولید کالا نرود، به سمت ایجاد زیرساخت نرود، ارزش آن پایین می‌آید. یکی از علت‌هایی که مردم همه وحشت زده به سمت این می‌روند که پول خود را تبدیل به یک کالا کنند- که این خود دوباره موجب افزایش تقاضا می‌شود و این افزایش تقاضا خودش دوباره موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود- نگرانی آنها از افزایش قیمت‌ها است. این تغییرات باید متعادل شود. با این حال، متأسفانه، روند تورم هنوز کاهنده نشده است. هدف ما در برنامه پنج ساله این بوده است که تورم تک‌رقمی شود. متوسط تورم در طول برنامه ششم، سی و هفت درصد (۳۷٪) بوده است که سال‌های اخیر بیشتر هم شده است.

در بحث تورم سه عامل تعیین کننده داریم:

(۱) عامل اول بودجه است. هرچه بودجه ما ناترازتر باشد، هرچه هزینه‌های ما نسبت به درآمد افزایش پیدا کند، این کسری به حساب می‌آید که پایه پولی را افزایش می‌دهد، نقدینگی اضافه می‌کند، تقاضا را افزایش می‌دهد و موجب تورم می‌شود.

۲) دومین عامل سیستم بانکی است. بانکهای ما هم همینطور، هرچه ناترازتر بشوند، بار آن روی بانک مرکزی می‌افتد و باز دوباره ایجاد تورم می‌کند.

۳) سومین عاملی که موثر است، سیاست‌های پولی و ارزی است. یک دفعه ذخیره ارزی ما کاهش پیدا می‌کند، تحریم می‌شویم، فلان مشکل بوجود می‌آید، نرخ ارز افزایش می‌یابد و قیمت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سیاست‌های پولی هم به همین ترتیب می‌تواند قیمت‌ها را تحت تاثیر قرار دهد.

هر کدام از این‌ها راهکارهای خاص خودش را دارد که مجال وسیع‌تری برای توضیح می‌طلبد.

۴- **اشتغال:** عامل چهارمی که در ثبات اقتصادی بسیار کلیدی است، بحث اشتغال است. اگر شما رشد اقتصادی ایجاد کردید، توزیع درآمد هم مناسب بود، تورم هم نداشتید با این حال، اشتغال کامل نداشته باشید، باز اقتصاد باثباتی ندارید. همیشه افرادی هستند که می‌خواهند در عرصه اجتماع فعال باشند، باید به آنها جواب بدهید. نمی‌توانید بگویید که آقا من بالاخره در کشور یک سیستمی حاکم کردم که رشد اقتصادی ایجاد کرده است، توزیع درآمد هم مناسب است، تورم هم ندارم، با این حال، اشتغال کامل وجود ندارد. مردم شغل نیاز دارند، می‌خواهند که مشارکت داشته باشند. از طریق شغل می‌خواهند درآمد کسب کنند. در بحث اشتغال بعضی‌ها می‌گویند، اشتغال صرفاً از طریق رشد اقتصادی به دست می‌آید. به طور کلی حرف درستی است. ولی «صرفاً» این نیست. در بعضی از زمینه‌ها شما وقتی رشد اقتصادی می‌خواهید ایجاد کنید، سرمایه‌های بسیار بالا می‌خواهد که اشتغال کمی ایجاد می‌کند. ممکن است برای ایجاد یک شغل، ده میلیارد تومان باید سرمایه‌گذاری کرد، چنین سرانه‌ای برای ایجاد شغل، نمی‌تواند اشتغال کامل را پوشش دهد. رشد اقتصادی ممکن است در مناطقی از کشور اتفاق بیفتد که جمعیت چندانی در آنجا حضور ندارند. مثل اتفاقی که ظرف پنجاه یا شصت سال اخیر در ایران افتاده است. مثلاً حدود شصت سال پیش نسبت جمعیت شهر به روستا، بیست و پنج به هفتاد و پنج بوده است. یعنی هفتاد و پنج درصد در روستاها بودند و بیست و پنج درصد در شهرها ساکن بودند. چرا الان برعکس شده است؟ چون آمدند شغل پیدا کنند. آمدند درآمد پیدا کنند. طرف در روستا دیده که دیگر پسر نمی‌تواند کار پدر را دنبال کند. زمین دیگر گنجایش ندارد. امکانات دامپروری نیست. آمده است شهر مجاور، شهر مجاور جواب نمی‌داد، آمده است شهر آن طرف‌تر، آمده است مرکز استان، آمده است تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و ... یک دفعه، بافت جمعیتی کشور را به هم زده و خود این حرکت، معضلات مختلف اجتماعی به وجود آورده است. چون ما نرفتم به واسطه وجود جمعیت، آنجا برای آنها تدارک شغل ببینیم. ما شغل را بر اساس نگاه به رشد اقتصادی جایی بردیم که صرفاً توجیه اقتصادی داشته است. این مساله را که سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر ایجاد شغل انجام شود، ظرف دو سه دهه اخیر، بیشتر، کشورهای شرقی به آن توجه کرده‌اند. چینی‌ها به این موضوع توجه کرده‌اند، ژاپنی‌ها به این موضوع توجه کرده‌اند، هندی‌ها و ... توجه کرده‌اند.

در بحث اشتغال با سه عامل اساسی رو به رو هستیم. البته عامل اصلی همین رشد اقتصادی است که طبیعتاً اشتغال ایجاد می‌کند که موضوع بحث ما نیست.

۱) عامل اول **قوانین و مقررات** است. قوانین و مقررات چقدر توانسته است مسیر توسعه اشتغال را فراهم کند؟ نظام مدیریت منابع انسانی فعلی می‌گوید که یک نفر شاغل که شد، حداقل حقوق را دارد، حق مسکن دارد، درمان دارد، همه مزایا و رفاهیات را دارد. یک کسی که شاغل نشده، هیچ یک از این‌ها را ندارد. حد وسطی نداریم. الان خیلی از افرادی که شما شاغل می‌کنید نمی‌توانند بیمه بشوند، چون شما برای طرف چهار میلیون تومان یا پنج میلیون تومان درآمد ایجاد کرده‌اید، می‌گویید می‌خواهید بیمه شوید باید بر اساس حداقل حقوق بیمه پرداخت کنید. این قانون نمی‌تواند اینها را پوشش دهد. حتی کارفرما نمی‌تواند جواب‌گوی همه این تعهدات باشد. این قانون می‌گوید یا هیچی نداشته باش یا بیا داخل همه چیز داشته باش.

۲) عامل دوم، **نهادسازی** در ایجاد اشتغال است. نهادسازی یعنی چی؟ قبل از اینکه بنیاد برکت فعالیت خود را شروع کند یا مثلاً کمیته امداد برای اقشار تحت پوشش خود اقدام به ایجاد اشتغال کند، نهادی نداشتیم که واسطه بین دولت و مردم باشد. در چه موضوعی؟ در موضوع کسب و کار، در امر ایجاد اشتغال. تنها وزارتخانه‌ای که اسم کار را یدک می‌کشد، وزارت کار و تامین اجتماعی است که یک ستاد است. چه در مرکز، چه در استان، چه در شهرستان، ارتباطی با مردم ندارد. کسی نیامده است سراغ مردم را بگیرد. نهادسازی می‌گوید که شما نهادی درست کن، یک نهاد توسعه‌ای، که این نهاد توسعه‌ای واسطه شود بین حاکمیت و مردم. برود سراغ مردم، به مردم بگوید که تو می‌توانی، تو توانمندی داری، تو ظرفیتش را داری، تو می‌توانی این اقدامات را انجام بدهی، من هم به تو کمک می‌کنم. من هم تسهیلگری می‌کنم، من هم راهنمایی‌ات می‌کنم. این جریان، حدود دو سه دهه است که در دنیا باب و مرسوم شده است. با این حال، هنوز در ایران رسمیت پیدا نکرده است. الان شما همین حرف را بروید به بعضی از کارشناسان سازمان برنامه بگویید، با نگاه عاقل اندر سفیه به شما نگاه می‌کنند. می‌گویند شما متوجه نیستید که اشتغال، بدون رشد اقتصادی به دست نمی‌آید؟ شما سرمایه‌گذاری کنید، رشد به وجود آوری، طبیعتاً خودش ایجاد اشتغال می‌کند. بله حرف درستی است، ولی برای همه جا؟ برای همه گروه‌ها؟ برای همه طبقات؟ این سرمایه‌گذاری تمام امکانات را می‌تواند پوشش دهد؟ خب بدیهی است که نه!

کاری که ما در این حوزه انجام داده‌ایم این است که، نهادسازی کرده‌ایم. این نهادسازی که از جنس خود مردم با مردم از طریق مردم و با راهنمایی مردم بوده است، می‌خواهد آنها را در امر اشتغال فعال کند. این تفکر جدیدی است که در ایران باب شد. اینکه شما در استان‌ها ملاحظه می‌کنید که استاندار یا فرمانداری که

در ابتدا در برابر شما موضع می‌گرفت، می‌گفت شما کی هستید؟ چی هستید؟ کجا هستید؟ پول بدهیم یا ندهیم؟ اینک می‌بیند نه، مثل اینکه این یک مجموعه دیگری است و نسبت به بقیه فرق دارد و حالا خود او به سراغ شما می‌آید و خواهش می‌کند این شهر را هم پوشش بدهید، خواهش می‌کند این کار را هم بکنید، خواهش می‌کند این منابع جذب نشده را هم بگیرید، چون متوجه یک جریانی جدیدی شده است که این جریان در ذهن مسئولین ما تا به حال مغفول مانده است. این جریان جدید می‌خواهد مسئله اشتغال را حل کند.

حالا کار ما فقط همین نیست. نهادسازی می‌تواند در رابطه با نهادهایی باشد که مدل کسب و کار می‌دهد و در سرمایه‌گذاری موثر باشد. می‌تواند در بحث راهنمایی‌های کسب و کارهای بزرگ و کوچک، کمک کند و زمینه‌سازی کند. همانطور که مشاوره بهداشتی و سلامت داریم، مشاوره آموزشی داریم، مشاوره در امر مسایل خدماتی داریم، باید مشاوره اشتغال هم داشته باشیم. بالاخره یک جوانی که امروز از دانشگاه یا از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده است، فرض کنید ده میلیون تومان پول دارد، یک سرمایه انسانی دارد، می‌خواهد چه کاری انجام دهد؟ راهنما می‌خواهد، طرح کسب و کار می‌خواهد. اینجاست که، نقش شما پر رنگ می‌شود.

۳) عامل سوم **رشد و توسعه کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط** است. امروزه دنیا به این

نتیجه رسیده است که اگر ما بخواهیم مسئله اشتغال را حل کنیم، تنها از طریق رشد کسب و کارهای خرد و کوچک امکان پذیر است. درست است که بخش اعظم رشد اقتصادی به خاطر کسب و کارهای بزرگ است ولی رشد اقتصادی به همراه اشتغال از طریق رشد کسب و کارهای خرد و کوچک بوجود می‌آید. خرد و کوچک آن جایی است که شما یک دفعه مواجه می‌شوید با یک میلیون کسب و کار با دو میلیون کسب و کار! ممکن است شما صدتا کارخانه بزرگ مثل فولاد و پتروشیمی و غیره داشته باشید که بخش اعظم رشد اقتصادی را ایجاد می‌کنند. اما اینجا شما چند میلیون کسب و کار دارید که درصد بالایی از میزان اشتغال را به خودش اختصاص می‌دهد. حالا نقش ما در اینجا چیست؟ نقش ما این است که در رشد و توسعه فعالیت‌های مربوط به کسب و کارهای خرد و کوچک و متوسط تاثیرگذار باشیم.

بنابراین ما اگر بخواهیم در رابطه با بحث اقتصادی و حرکت در مسیری که مقام معظم رهبری تاکید دارند، اثرگذار باشیم، اولین نقش ما اینجاست که سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و سرمایه‌های مردم را به جریان اقتصاد آورده‌ایم و سرمایه‌های راكد آنها را فعال کرده‌ایم. حتی اگر یک اتاقی را استفاده کرده‌اید و در داخل آن یک دستگاهی گذاشته‌اید و دارد تولید می‌کند، به آن معنا است که آن اتاق بدون استفاده را حالا آورده‌اید در گردونه اقتصاد قرار دادید. اگر از برق، از آب و از گاز آن که به هر حال فقط استفاده خانگی داشته است، شما در فعالیت اقتصادی استفاده کرده‌اید، یعنی شما به نوعی سرمایه را بهره‌ور کرده‌اید. نیروی انسانی را احیا کرده‌اید، زنده کرده‌اید، آورده‌اید در فعالیت اقتصادی قرار داده‌اید. به همین ترتیب از آن طرف در توزیع درآمد تاثیرگذار بوده‌اید. جریان افزایش درآمد را، افزایش دارایی را بردید به محروم‌ترین انسان‌ها رسانده‌اید که این را

کسی توجه نمی‌کرد. در بحث تورم موضوع بسیار پیچیده‌تر است. من اینجا خیلی ورود نمی‌کنم که چه تاثیراتی در این موضوع خواهید گذاشت. شما در بحث قوانین و مقررات هم اثر گذاشته‌اید. یعنی خیلی از دستگاه‌ها به واسطه نوع نگاه شما و نوع حرکت شما مقررات خود را تغییر داده‌اند، الان در خیلی از زمینه‌ها پذیرفتند که بعضی از کسب و کارهای خود نیاز به مجوز ندارند. این‌ها می‌تواند در راستای یک حرکت عادی، تعالی پیدا کند و به حد برسد که برایش قواعدی وضع کرد.

نکته بسیار کلیدی که وجود دارد این است که، نهادهای تحت عنوان بنیاد برکت، به عنوان نهاد توسعه‌ای، واسط بین حکومت و مردم شده است. دست مردم را گرفته، توانایی‌های آنها را شناسایی کرده است، آگاهی آنها را افزایش داده است، روحیه آنها را احیاء کرده است و به آنها در توسعه کسب و کارها کمک کرده است. این چارچوب کلی مباحثی است که ما در بخش اقتصادی داریم و شما با این نگاه دقیقاً می‌توانید جایگاه خود را تحلیل کنید و جای خود را بدانید و هر چقدر بتوانیم، باید در این مسیر رشد کنیم. حالا چه کمی و چه کیفی، من اعتقاد دارم که اگر ما رشد کیفی کنیم، رشد کمی هم به تبعش خواهد آمد. همانطور که این سال‌ها آمده است. ما سال اول وقتی شروع کردیم، یعنی شش سال قبل، با ده هزار طرح شروع کردیم، سال دوم شد سی هزار طرح، سال بعد شد حدود شصت هزار طرح، سال بعد نود هزار طرح و سال هزار و چهارصد و یک، به صد هزار طرح رسید. اعتقاد این است که اگر سیستم بانکی همراهی کند، اگر دستگاه‌های اجرایی نگاه‌های بد بینانه نداشته باشند- مثل دو تا استان که متأسفانه نه تنها همراهی نکردند بلکه مانع تراشی کردند- خوب همه آمدند در راستای این حرکت شروع کردند به حمایت کردن. ما اگر این موانع را برداریم، چرا نتوانیم سالی دویست هزار طرح اجرا کنیم؟ چرا نتوانیم سالی سیصد هزار طرح اجرا کنیم؟ کشش منطقه‌ای هست، زمین هست، استعداد هست، سرمایه انسانی هست، پتانسیل‌های محیطی فراهم است، امکانات طبیعی فراهم است، سرمایه‌ای هم که استفاده کرده‌ایم چندان بزرگ نیست، امکاناتی که ما الان داریم در بخش تخصیص منابع ریالی قرض الحسنه به مردم می‌دهیم شاید در مجموع حدود پانزده تا بیست درصد منابع قرض الحسنه بانکی است. خوب منابع قرض الحسنه که می‌تواند به یک مسیری برود که انسان‌ها را خودکفا کند، چرا بیشتر نتوانیم هزینه کنیم؟ یعنی ما به راحتی می‌توانیم این امکان را توسعه بدهیم و این امکان را به حدی برسانیم که به سرعت بگوییم که مجموع امکانی که در مناطق مختلف داریم به حد کفایت رسیده است که الان آقای دکتر ترکمانه فرمودند، ما امسال می‌خواهیم ان شاء الله به بیست هزار روستا برسیم، در صورتی که ما حدود چهل هزار روستای با سکنه نسبتاً بالا داریم. خوب پس باید با سرعت بیشتر این کار را انجام بدهیم.

## **نکته‌هایی برای عملکرد بهتر**

چند نکته هم در انتهای سختم در مورد پیشنهادهای سال جاری عرض کنم.

• اول اینکه موفقیت شما و همه ما به خاطر این بوده است که ما از یک مدلی برخوردار هستیم و از این مدل استفاده می‌کنیم. این مدل چارچوب دارد، قواعد دارد، دستورالعمل دارد، نظام‌نامه دارد، فرایند دارد. همه چیز آن شفاف و مشخص است. تا کنون نزدیک به پنجاه جلد کتاب در این زمینه منتشر کرده‌ایم. خواهشمندم که از چهارچوب خارج نشوید. من بعضی وقت‌ها در جلسات مصاحبه با بعضی از تسهیلگرانی که می‌خواهند مجری شوند، سوال می‌کنم، اصلاً نام مهتاب را نشنیده‌اند. تعجب می‌کنم که چطور ممکن است یک فردی مسئول یک کاری باشد و اسم سایت و کتاب‌های مربوط به حوزه کاری‌اش را نشنیده باشد. یا اگر اسم آنها را شنیده باشد، چند تایش را نخوانده باشد؟ بالاخره این کتاب‌ها را نوشته‌اند که شما در جریان باشید. به عنوان مثال، اگر کسی دارد زنبورداری می‌کند، فرش می‌بافد، کسی دارد قارچ تولید می‌کند، بهتر است فقط بر اساس یافته‌های ذهنی خودش عمل کند یا بالاخره علم و اطلاع و تجربه و این موارد کمکش می‌کند؟ خب اگر یک سری متخصص نشستند اینها را استاندارد کرده‌اند، مبانی برایش گذاشته‌اند، شمای تسهیلگر اگر ندانید، چطور ممکن است که متقاضی ما بداند؟ اگر تصور کنیم هر چیزی فکر می‌کنیم درست است، هرچیزی عمل می‌کنیم درست است، سنگ روی سنگ بند نمی‌آید. خواهشیم این است که به این مسایل بها بدهیم و وقت بگذاریم. بعضی‌ها می‌گویند ما اجرایی هستیم، عملیاتی هستیم! این حرف بی‌معنا است. اجرا یعنی چی؟ اجرا موقعی ارزش دارد که مبتنی بر فکر و سواد و عقل و به هر حال یافته‌های علمی باشد. اگر کسی از همکاران ما باشد، چه مجری چه تسهیلگر، تمام این کتاب‌های ما را دو بار، سه بار نخونده باشد، در مسئولیتش و در کیفیت کارش باید شک کند! همه موفقیت ما بخاطر رعایت همین اصول و ضوابط است. بعضی دوستان خیلی خیلی که لطف می‌کنند، می‌گویند ما سحاب را خوانده‌ایم یا وقتی مشکل به وجود می‌آید، مراجعه می‌کنیم. لطفاً سحاب را بدانید مبانی‌اش چیست؟ آسمان را بدانید مبانی‌اش چیست؟ آفتاب مبانی‌اش چیست؟ چطور اشتغال‌ها می‌تواند ارتقا پیدا کند؟

تازه من معتقدم که ما هنوز کم روی بحث کسب و کار، کار کرده‌ایم. یعنی ما خیلی بیش از این حد باید کار می‌کردیم. من خواهشیم این است، هم از همکارانمان در بنیاد و هم مجریان و تسهیلگران این موضوع را جدی بگیرید، فکر کنید و بخوانید و یاد بگیرید. نه فقط این کتاب‌هایی که ما منتشر می‌کنیم، خیلی مطلب در سایت‌ها هست، در جهان هست. این است که ما را رشد می‌دهد و به سمت بالا می‌برد و ترقی می‌کنیم و تغییر می‌کنیم. وگرنه، اگر احساس ثبات کنیم، که دیگر کار ما تمام شده است! این مساله اول ماست.

• دومین مساله این است که ما باید کسب و کارهای خرد را به سطح کسب و کار کارگاهی رشد بدهیم و سپس کسب و کارهای کارگاهی را به سطح کسب و کارهای کوچک رشد بدهیم و در نهایت آنها را به سطح کسب و کارهای متوسط رشد بدهیم. آنجایی که شما احساس کردید انگیزه هست، استعداد هست، زمینه‌اش فراهم است به آنجا کمک کنید. ما گفتیم اگر وام اول را دادید و رشد کرد، وام دوم را به او بدهید. وام سوم را هم بدهید. خیلی از کسب و کارهای بزرگ که در دنیا الان مشهور هستند این‌ها از کارگاه‌های زیر پله‌ای شروع کرده‌اند. شما تاریخ توپوتا را بخوانید، سونی را ببینید، همین سامسونگ را ببینید، این‌ها

اکثراً کارگاه‌های زیر پله‌ای بوده‌اند. ولی آدم‌های بااستعدادی بودند، رشد کردند، الآن جهانی شدند. ما حتماً می‌توانیم از این سیصد هزار طرح کسب و کار روستایی، اقلأ هزار تا کسب و کار متوسط داشته باشیم. پانصد تا بزرگ داشته باشیم، سه هزار تا کارگاه خوب داشته باشیم. این‌ها را باید پر و بالشان را بگیرد و رشد بدهد و هدایت کنید. نگید این حالا قبلاً تسهیلات گرفته، من یک آدم جدید می‌آورم. آدم جدید هم به جای خودش، ولی رشد این‌ها بسیار تاثیرگذار است. بعد شبکه کردن این‌ها، زنجیره کردن این‌ها، کمک کردن به هم، بازار مشترک پیدا کردن، ارتباطات برقرار کردن داخل روستا، بین دو تا روستا، داخل بخش، داخل شهرستان، این‌ها همه هدایتگری است که من در خیلی از سفرهایم استفاده کردم که دوستان بسیار ارزشمندی بودند که از بین شما مجریان و تسهیلگران این کارها را انجام داده‌اند و واقعا آدم لذت می‌برد. این را باید ما عمومیت ببخشیم، این احساس را داشته باشیم که می‌خواهیم توسعه ایجاد کنیم، می‌خواهیم این مسیر را به طور کامل اجرا کنیم. فقط این نیست که در این قسمت، ما یک کسب و کار خرد راه‌اندازی کنیم و تمام شود.

- نکته سوم اینکه حرکت ما بر اساس پنج تا سرمایه است. این پنج تا سرمایه، مرتب در ذهن شما تداعی شود. اولین سرمایه افراد هستند. یعنی انسان‌ها، دومین سرمایه اجتماع است. یعنی جمع افراد با هم کار کنند. با هم باشند. یدالله مع‌الجماعه، این با هم بودن بسیار موثر است. می‌تواند به شکل تعاونی باشد. می‌تواند شرکت باشد، می‌توانید گروه درست کنید. این کار بسیار مهم است. نرویم فقط سراغ تک‌تک آدم‌ها. آسمان دارد همین بحث گروه شدن را به ما یاد می‌دهد. این حرکت باید در ذهن ما باشد. پس فرد و اجتماع باید با هم دیده شود. شهید مطهری می‌فرمایند روحی که بر اجتماع حاکم است مساوی روح تک‌تک افراد نیست. یک روح جدید است. یک روح جمعی است. این روح را ما باید به حرکت در بیاوریم. همچنین امکانات طبیعی منطقه را خوب بشناسیم و از آن بهره بگیریم. به همین ترتیب از امکانات فیزیکی و مالی بهره بگیریم.

- موضوع چهارمی که باز من تاکید می‌کنم و سال قبل هم اشاره شد، این است که همه حرکت‌های ما مبتنی برخواست مردم است، مبتنی بر اراده‌ی مردم است، مبتنی بر حرکت مردم است. ما نباید تحکمی برخورد کنیم. ما نباید به اینها فشار بیاوریم. خود مردم باید جوش و خروش داشته باشند تا حرکت بوجود بیاید. هر حرکتی که ریشه مردمی نداشته باشد، پایدار نخواهد بود. پایداری کار، بسته به روح و وجود و انگیزش و خواست مردم است. این اساس کار ما است. این مردم را ما باید به حرکت در آوریم. حالا این مردم ممکن است همان فردی باشد که دارد کار اشتغال‌زایی می‌کند، ممکن است دهیاری باشد که کمکش می‌کند یا یک معتمد محلی باشد که می‌تواند ضمانتش کند یا یک فرمانداری که می‌تواند مسایل را حل کند یا یک بخشداری که می‌تواند تعاملات درست کند. همه این‌ها باید دست به دست هم بدهند و ما این اتفاق را بوجود بیاوریم.

- نکته بعدی این است که کسانی را که در خطر مهاجرت از روستاها و در خطر مهاجرت از اقامت در شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ هستند، در اولویت قرار دهید. اینها جوانها هستند. جوانها فرار می‌کنند.



کسی که به سن من رسیده باشد دیگر عادت کرده است و با هر چیزی می‌سازد. اولویت با جوانها است و باید به آنها توجه بیشتری کنید. دیگر این همه مهاجرت بس است. این همه خالی شدن مناطق روستایی و مناطق محروم ما و این همه بزرگ شدن شهرهای ما که خودش دچار کلی از معضلات شده است کافی است.

• مساله بعدی این است که همه ذینفعان باید کار شما را کار خودشان بدانند. فکر نکنند شما یک بخش هستید، آنها یک بخش دیگر. البته روحیات فرق دارد، بعضی‌ها ممکن است به شما تحکمی برخورد کنند، دستور بدهند. این دیگر زیرکی شماست، توانمندی شماست، اخلاق شماست، سعه صدر شماست که آن فرد را بیاورید عضوی از تیم شما شود. هیچ اشکالی ندارد که اگر کسی آمد روستا، بازدید کند، به جای شما دهمدار گزارش بدهد، به جای شما بخشدار گزارش بدهد. بگذارید احساس کنند کار خود آنها است. تسهیلگر همین است. یعنی می‌خواهد خودش را در پشت یک جریان درست پنهان کند ولی آن جریان هدایت شود و حرکت کند. این نوع نگاه، یعنی به کارگیری همه افراد و تسهیلگری و همراهی و یکپارچه شدن، رمز موفقیت شماست. این را باید دقیقاً اعمال کنیم. این دیگر برمی‌گردد به مسایل روحی و روانی و اخلاقی شما که چگونه از عهده آن برمی‌آید. صبرتان باید خیلی بالا باشد. سعه صدر شما باید بالا باشد، گذشت شما باید خیلی بالا باشد. احساس کنید که خدا دارد شما را می‌بیند. این حرکت خیلی کمک می‌کند در این که چگونه بتوانیم بقیه را با هم همراه کنیم و بیاوریم به این سمت و فکر کنند کار از خود آنها است. اگر بخشدار فکر کند که این کار خودش هست، خودش هم گزارش می‌دهد، خودش هم این طرف و آن طرف تبلیغ می‌کند، مطمئن باشید که ده برابر به شما کمک خواهد کرد.

### **محل تامین منابع مالی مورد نیاز**

بحث من طولانی شد، حالا نکات دیگر را عرض نمی‌کنم. این نکته آخر را فقط عرض بکنم که ما خوشبختانه داریم به یک سمتی می‌رویم که دیگر از منابع مالی بنیاد برکت برای توسعه این فعالیت‌ها خیلی استفاده نکنیم. به جز هزینه‌های اداری و تسهیلگری. به همین خاطر ما الان متکی شدیم به منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها و به منابع بودجه عمومی کشور که با مشارکت بانک‌ها، تحت عنوان تبصره هجده، محقق خواهد شد. به این ترتیب حجم منابع به شدت افزایش یافته است ولی سختی کار شما را نیز زیاده‌تر کرده است. زمانی که بانک از محل سپرده‌گذاری بنیاد تسهیلات پرداخت می‌کرد، ما مالک منابع بودیم و آنجا هر دستوری به بانک می‌دادیم، به راحتی اجرا می‌شد. اما در وضعیت جدید، به بانک می‌گوییم از منابع خودت این تسهیلات را پرداخت کن، طبیعتاً بانک خیلی رغبت ندارد که از منابع گران‌قیمت خودش وام قرض‌الحسنه چهاردرصد پرداخت کند. به همین دلیل کار شما برای جذب این منابع سخت شده است.

الان تقریباً می‌توان گفت که ما امسال چهارتا منبع مالی داریم:

- یک منبع، پنج هزار میلیارد تومانی است که مجلس به نام بنیاد برکت در تبصره هجده پیش‌بینی کرده است. خوشبختانه بانک‌های عامل هم، همان بانک‌هایی است که ما سال گذشته با آنها کار کرده‌ایم. این پنج هزار میلیارد تومان، پول اصلی و نقد ماست که به سرعت انشاءالله باید هزینه شود.
- دومین منبع ما، منابع قرض‌الحسنه بانکی است که توزیع استانی می‌شوند. همان هفده هزار میلیارد تومانی که امسال ما با استان‌ها قرارداد بستیم. استان‌ها پنجاه همت یا پنجاه هزار میلیارد تومان اعتبار دارند و باید همه شما تلاشتان را بکنید که سهم ما را از آن پنجاه‌هزار تا بگیرید. که پیش‌بینی من این است که انشاءالله شما حداقل ده تا دوازده هزار میلیارد تومان از منابع استانی خواهید گرفت. چون همین پولی که امسال ما خرج کردیم تقریباً نود درصدش همین منابع استانی بود. پس دوازده‌هزار میلیارد از طریق استان، پنج هزار تا اینجا، حدود هفده هزار همت می‌شود.
- سومین منبع، بخش استانی منابع تبصره هجده است.
- چهارمین منبع هم بخش ملی منابع تبصره هجده است.

ما از محل منابع تبصره ۱۸ در دویخش ملی و استانی، اگر تلاش کنیم و پیگیر باشیم، به راحتی می‌توانیم بیش از دوازده هزار میلیارد تومان جذب کنیم.

به این ترتیب، احساس می‌کنم به لطف الهی و برکتی که خداوند به کار خوب شما اعطا کرده است، تقریباً می‌شود گفت که دیگر مشکل مالی نداشته باشیم. پیش‌بینی که آقای دکتر ترکمانه کردند، یعنی بیست هزار میلیارد تومان، فکر می‌کنم با تلاش شما این کف منابع باشد و می‌توانیم خیلی بیشتر از آن جذب کنیم و انشاءالله بتوانیم این صد هزار طرح را به صد و پنجاه هزار طرح برسانیم. آن بیست و هفت هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری فعال شده را درواقع می‌توانیم حداقل به شصت تا هفتاد هزار میلیارد تومان افزایش دهیم که بسیار در بحث اشتغال، در بحث توزیع درآمد و در کمک به محرومین تاثیرگذار است.

بدانید این کار، کاری است که مورد توجه خداوند متعال است، مورد توجه خاص مقام معظم رهبری است. یک بار خدمت ایشان در یک جلسه خصوصی گزارشی از کارها ارائه شد، ایشان به بنده فرمودند که این کار را به حساب آخرت بگذار. من می‌خواهم این پیام را به شما بدهم، شما این کار را به حساب آخرت خود بگذارید و برای مردم بی منت کار کنید و مطمئن باشید که هم در زندگی شخصی شما اثرگذار است و هم در دنیای شما و هم در آخرت شما.

والسلام علی عبادالله الصالحین